



عکس: روزنامه قدس

گفت‌وگو با آیه حمداوی، بانوی آغازگر سبک زندگی پسماند صفر در ایران

برای زمینی که دوستش داریم

نرجس
خانعلی‌زاده
روزنامه نگار

کشیده است؛ دستمال پارچه‌ای و لیوان شخصی‌اش همیشه همراهش هست و در نهایت موقع خرید، به کدروی محصولات دقت می‌کند که آیا قابل بازیافت هستند یا خیر. در واقع بعد از دوری کردن از تولید زباله، بازیافت آخرین راه حل او برای نجات زمین است. حالا او نوعی از سبک زندگی را دنبال می‌کند که در نگاه اول سخت به نظر می‌رسد اما عمیقاً معتقد است شیرینی و رهایی‌اش، به سختی‌اش می‌ارزد.

دادم. در واقع پیش از آن یاد گرفته و بلد بودم که زباله خشک و تر را از هم جدا کنم. اما درست روزی که قرار بود خانه‌ام را تحویل بدهم و به ایران برگردم، صاحبخانه‌ام یک قبض ۴۰۰ یورویی پیش رویم گذاشت و گفت این هم هزینه زباله‌ات است. من واقعا فکر نمی‌کردم بابت چندماه اقامت، باید ۴۰۰ یورو عوارض زباله بدهم. امروز که به این موضوع فکر می‌کنم، می‌گویم شاید یکی از دلایل تولید نکردن زباله، همان قبض بود که اگر زباله کمتری تولید کرده بودم، هزینه کمتری هم باید پرداخت می‌کردم. (می‌خندد)

■ چه شد به این نتیجه رسیدید که سبک زندگی پسماند صفر، راه نجات طبیعت است؟

راستش من پیش از درگیر شدن با موضوع محیط‌زیست و تولید زباله کمتر، روی طب سنتی و سلامت کار می‌کردم. دلم می‌خواست مواد سالم و طبیعی و ارگانیک مصرف کنم. من به دنبال نان سالم بودم، اما در مسیر رسیدن به این اهداف، متوجه شدم اگر می‌خواهیم محصولات ارگانیک داشته باشیم، باید محیط‌زیست را اصلاح کنیم.

انگار مانخواست بودیم و او خواسته بود؛ خواسته بود به راه حلی برای نجات زمین و محیط‌زیست فکر کند و مافکر نکرده بودیم. حالا خیلی‌ها، آیه حمداوی را به عنوان یک فعال محیط‌زیست در زمینه کاهش پسماند می‌دانند؛ اتفاقی که به قول او، ریشه همه سلامتی‌ها از آن شروع می‌شود. او چای را در لیوان‌های یک‌بار مصرف نمی‌نوشد، از تنقلات سالم خانگی و بدون بسته‌بندی استفاده می‌کند و دور کیک و شیرهای بسته‌بندی شده را خط

می‌گیری. همان بن‌های کتاب من را تشویق به این کرد که از کیسه‌هایشان بگیرم و زباله‌های کاغذی و پلاستیکی در حین تحصیلم را در آن جمع کنم.

■ و بالاخره به کتاب‌ها رسیدید؟
نه (می‌خندد)؛ شاید چون چند تا کاغذ وزنی نداشت که به اندازه کتاب برسد اما به هر حال خوبی‌اش این بود که با تفکیک و بازیافت در آن دوره آشنا شدم. زباله‌های خشکی که خودم تولید می‌کردم را در کیسه می‌ریختم و آن را زیر تخت پنهان می‌کردم. گاهی که خانواده این کار من را می‌دیدند، می‌گفتند می‌خواهی آشغال جمع کنی؟ اما من آن قدر مصمم بودم که حتی زباله‌های هم‌کلاسی‌هایم را در مدرسه هم می‌گرفتم تا حجم زباله‌هایم زیاد شود.

■ و این تفکیک زباله آن قدر ادامه پیدا کرد که امروز به عدم تولید زباله رسید.

راستش من مدتی را در ایتالیا زندگی کردم و درس خواندم. آنجا هم دیدم تفکیک را انجام می‌دهند و سطل زباله‌های مختلف از همدیگر جداست و خب من هم طبق همان سیستم ادامه

آیه حمداوی این روزها به بانوی بدون زباله معروف است؛ آن قدر که می‌تواند زباله تولید شده‌اش را در یک نصفه بطری بریزد و دستش بگیرد. او معتقد است کار نشد ندارد. همین که نگاهتان این باشد که یک کاری برای زمین و محیط‌زیست انجام بدهم، می‌شود هزاران کار کرد؛ فقط کافی است بخواهید. این را وقتی فهمیدیم که خانم حمداوی، برای هر مثالی که می‌زدیم و صد درصد زباله‌ساز بود، راهکاری برای کاهش زباله در مورد آن مثال خاص داشت.

■ چه شد که آن قدر حامی محیط‌زیست شدید و دغدغه آن را دارید؟

امروز که به این موضوع نگاه می‌کنم، می‌بینم انگار محیط‌زیست همیشه در ذهنم وجود داشته است؛ حتی در سال‌های قدیم که همراه خانواده به پیک‌نیک می‌رفتیم و من مدام غرمی‌زدم که چرا پوست تخمه‌هایتان را در طبیعت رها می‌کنید و با همان سن کم، دانه به دانه و تا جایی که می‌توانستم آن پوست‌ها را از روی زمین جمع می‌کردم.

■ این طرز فکرتان در نوجوانی و جوانی هم ادامه داشت؟
بله؛ مثلاً من از سال ۷۲ و از زمان دبیرستان تا امروز تفکیک زباله را انجام می‌دهم.

■ یعنی از زمانی که تفکیک خیلی در جامعه جا نیفتاده بود؟
بله دقیقاً؛ خاطرم هست یک سال در نمایشگاه کتاب، غرفه‌ای را دیدم که رویش کلمه بازیافت نوشته شده بود و وقتی از مسؤولانش درباره معنای آن پرسیدم، به من گفتند یعنی تو زباله‌های خشک را جدا می‌کنی، آنها را جمع می‌کنی و بعد عده‌ای می‌آیند و آن را از تو می‌گیرند و به ازای وزنش، بن کتاب هدیه